

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۵

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال نوزدهم، شماره ۷۳، پاییز ۱۴۰۱

DOR: [20.1001.1.20080514.1401.19.73.12.2](https://doi.org/10.1001.1.20080514.1401.19.73.12.2)

بررسی زن عرفانی، قرآنی در رمان عشق سال‌های جنگ

فریبا رحیمی^۱

شاهرخ حکمت^۲

مجید عزیزی^۳

چکیده

زنان چه به‌عنوان موضوع و چه در جایگاه خالق اثر، رکنی مهم در پهنه مطالعات ادبیات معاصرند. گاه در متن قرار گرفته‌اند و گاه در حاشیه؛ اما با وقوع دو رویداد مهم، یعنی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، چهره‌ای متفاوت از خود نشان داده‌اند. زن همیشه در کنار مرد، در تمدن‌سازی و رشد و شکوفایی جوامع انسانی - مستقیم یا غیرمستقیم - نقش آفرین بوده‌است. اسلام زن را به‌عنوان مسئله مهم زندگی و متمم حیات انسانی در مسائل اجتماعی، اخلاقی و قانونی خود جاداده‌است. هدف اصلی نگارش این مقاله بررسی زنان آرمانی - اسلامی در رمان «عشق سال‌های جنگ» است. از آنجاکه رمان برای بازنمایی زندگی انسان معاصر بیشترین ظرفیت را دارد، سعی شده‌است که مفاهیم آرمان‌خواهی و اسلامی زنان در این رمان برجسته‌گردد. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که زن در این رمان برخلاف رمان‌های گذشته، در حاشیه قرار نگرفته و حضور همراه با تعقل و بلوغ فکری او بیانگر تحول فکری - اجتماعی زنان پس از انقلاب است. او با فراموشی موقعیت ضعیف جسمانی، آگاهانه از تمام توان خود برای حضور مستقیم و غیرمستقیم بهره‌گرفته‌است و به تمام آرمان‌های مردان پاسدار پایبند است. واژگان کلیدی:

زن آرمانی، آرمان‌گرایی، رمان، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، شهید، ازدواج.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی عرفان اسلامی

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. نویسنده مسئول:

sh-hekmat@iau-arak.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۱- پیشگفتار

مطالعه در مورد زن به‌عنوان نیمی از بیکرهٔ اجتماع و نقش تعیین‌کننده‌اش در بقا و گسترش نسل انسانی و پرورش و تربیت فرزندان، همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده‌است. نمی‌توان در تاریخ از انسان سخن گفت، ولی از زن سخن نگفت. در طول تاریخ، زن پایه‌پای مرد در فراز و نشیب‌های زندگی و سازندگی مطرح است. گاه به‌طور مستقیم و گاه با ترغیب مردان و ایجاد انگیزه‌های لازم در آنان، نقش سازندهٔ خود را در تاریخ انسانی نشان داده‌است. با نظر به اینکه پس از وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، تغییرات اساسی در جامعه و به‌تبع آن زندگی زنان رخ داده، برآنیم تا ویژگی‌های زنان آرمانی و آرمان‌خواه را در رمان «عشق سال‌های جنگ» بررسی کنیم.

۱-۱. روش‌شناسی و محدودهٔ پژوهش

با عنایت به موضوع مقاله حاضر که بخشی از آن توصیفی و بخشی دیگر تحلیلی است، برای نگارش آن نیز از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده‌است. جامعه آماری تحقیق رمان «عشق سال‌های جنگ» است.

۱-۲. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ آرمان‌گرایی و زنان آرمانی در ادبیات معاصر کارهای محدودی صورت گرفته و تا آنجا که ما جستجویم، مقاله حاضر اولین پژوهش از نوع مقایسه‌ای آن است که به بررسی موضوع مذکور می‌پردازد؛ اما از پژوهش‌هایی که دربارهٔ زن آرمانی نوشته شده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: مهم‌ترین این پژوهش‌ها مقاله «زن آرمانی؛ زن فتانه در آثار سیمین دانشور، شهرنوش پاریسی پور، غزاله علی‌زاده، منیرو روانی پور و بلقیس سلیمانی» است که نویسندگان در آن به بررسی زن فتانه به‌عنوان زن آرمانی ادبیات داستانی معاصر پرداخته‌اند. کتابی هم با نام و مضمونی شبیه همین مقاله با عنوان «زن آرمانی، زن فتانه» به تألیف آذین حسین‌زاده منتشر شده که مؤلف در آن تلاش نموده تا به تبیین جایگاه زن در ادبیات داستانی بپردازد. هم‌چنین می‌توان از مقاله «شوهر آهو خانم در بوتهٔ نقد پساساختارگرا» یادکرد که نویسنده در بخشی از آن، شخصیت «آهو خانم» را به‌مثابهٔ یک زن آرمانی دانسته و اتفاقاً آرمانی

بودن آهو خانم را از نظر جنسیت خود بررسی نموده‌است. در مورد رمان «عشق سال‌های جنگ» چند پایان‌نامه نگارش یافته‌است که به آن‌ها اشاره خواهیم نمود:

بررسی تطبیقی رمان «عشق سال‌های جنگ» حسین فتاحی با رمان «وداع با اسلحه» از ارنست همینگوی عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد فاطمه عطائی آقدرق است که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه محقق اردبیلی از آن دفاع کرده‌است. نویسنده در این پایان‌نامه بیشتر به بررسی موضوع عشق در هر دو داستان پرداخته و بعد از تحلیل این دو داستان به این نتیجه می‌رسد که جنگ و عشق مضمون‌های مشترک در این داستان‌ها هستند. رمان همینگوی یک رمان ضد جنگ و عشق آن عشق مجازی و زمینی است که به‌زعم نویسنده ابزاری برای نادیده‌گرفتن جنگ است؛ درحالی‌که در رمان فتاحی جنگ از اهمیت بالاتری نزد نویسنده برخوردار است و وی نگاه مثبت به جنگ دارد. عشق این رمان در طی داستان تکامل یافته و از عشق زمینی به عشق خدایی تبدیل شده‌است. قابل ذکر است که این دو داستان در شیوه داستان‌پردازی اشتراک و افتراق‌هایی با هم دارند.

نقد، تحلیل و بررسی عناصر داستانی رمان عشق سال‌های جنگ عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد راضیه جعفری قره‌چناق است که در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه محقق اردبیلی از آن دفاع کرده‌است.

تحلیل ساختار و محتوای سه رمان جنگ از سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ (آداب زیارت، عشق سال‌های جنگ و عقرب روی پله‌های راه آهن اندیمشک) عنوان پایان‌نامه همت حسینی‌فرد در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه ایلام است. به‌زعم نویسنده نوع نگاه نویسندگان به پدیده جنگ در این سه دهه باعث شده است رمان جنگ از نظر محتوا در سه مقوله رمان‌های مثبت به جنگ، رمان‌های منفی‌نگر به جنگ و رمان‌های بی‌طرف قابل دسته‌بندی باشند.

«تحلیل سازوکار شخصیت‌های رمان «عشق سال‌های جنگ» بر اساس نظریه روایت‌شناسان ساختارگرا، (با تأکید بر نظریه آلژیر گریماس) عنوان پایان‌نامه سیده ناهیده ساداتی سال ۱۳۹۵ در دانشگاه محقق اردبیلی است. با توجه به جایگاه ویژه و ارزشمند ادبیات پایداری ایران و ضرورت شناخت ساختار روایی این نوع از داستان‌ها، بر اساس نظریه‌های مهم جهانی، پژوهش حاضر کوشیده- است به بررسی شخصیت‌های رمان مذکور، بر اساس الگوی کنش گریماس بپردازد و تأثیر جنگ را در خلق شخصیت‌ها، مورد بررسی قرار دهد.

۱-۳. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

از آنجاکه زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و زنان رمان‌نویس می‌توانند نماینده این بخش از جامعه در حوزه ادبیات و داستان‌نویسی باشند، پس بررسی نظرات و عقاید داستان‌نویسان زن، هم بررسی نظرات قاطبه زنان جامعه است و هم حالت مقایسه با نظرات داستان‌نویسان مرد درباره زنان

آرمانی و آرمان‌خواه به وجود می‌آورد. از این نظر وجود چنین پژوهش‌هایی ضرورت می‌یابد و نگارندگان مقاله حاضر نیز به همین سبب به بررسی موضوع مذکور پرداخته‌اند.

۲- زن آرمانی

برای اینکه یک زن بتواند در نگاه دیگران زنی آرمانی و دلخواه باشد، باید بتواند بر اساس فرهنگ جامعه خود خصوصیات متعدد و برجسته‌ای را به دست آورد. البته واضح است که میان طبقات مختلف جامعه، زن آرمانی تفاوت رفتار و اخلاق و محسنات دارد. به عبارت ساده‌تر ویژگی‌های مطلوب و پسندیده زنان در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی متفاوت است. زن مطلوب جامعه روستایی با زن دلخواه شهری تفاوت‌هایی دارد. در جوامعی که فرهنگ آنان بر اساس تعلیمات مذهبی شکل گرفته، دین تأثیرگذارترین عامل در تعریف زن آرمانی است. حتی در بین زنان شهری نیز این تفاوت‌ها دیده می‌شود؛ کما اینکه در هر جامعه‌ای زن بودن و مرد بودن می‌تواند معنایی خاص داشته باشد. رفتار مطلوب زنان مولد جامعه است. میان رفتار اجتماعی مطلوب و رفتار جامعه‌پسند زنان رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

بعضی از پژوهشگران زن آرمانی ادبیات را الگوی عملی زن اثری دانسته‌اند. کوتاه‌سخن این‌که اثری موجودی موهوم است و امر موهوم نیز دست‌نیافتنی است؛ اما زن آرمانی الگویی است برای بسیاری از زنان آرزو دارند بتوانند خصلت‌های زن واقعی را که در میان دیگران برترین به‌شمار می‌آید، در خود نیز پیاده‌کنند. زنی با این صفات نیز شاید بتواند آرمان و آرزوی مردی باشد که معتقد است باینکه زن اثری به‌آسانی دست‌یافتنی نیست، جایگزینی می‌تواند داشته‌باشد؛ هرچند این زن آرمانی در چشم برخی از زنان و مردان دیگر ممکن است هیچ برتری نداشته‌باشد و یا برعکس. (مدرسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲۵)

اما از عللی که مردان همیشه به دنبال یافتن زن آرمانی بوده‌اند، این است که هرچه بیشتر به آرامش برسند و دغدغه‌های کمتری در زندگی داشته‌باشند. در گذشته‌هایی نه‌چندان دور از نظر اکثر مردان، زن آرمانی زنی است در وهله اول زیبا که او را کاملاً درک کند و هم‌چنین در خدمت خانواده باشد. زنی که مرد را در مسیر پیشرفت همراهی کند؛ ولو این‌که خودش به چیزهایی که در زندگی آرزوی او را داشته، نرسد. زن در این مسیر باید روح و روانش را در خدمت مرد بگیرد؛ اما رفته‌رفته این نگاه نسبت به زنان کم‌رنگ‌تر می‌شود تا آنجا که «در ادبیات مشروطه بالاترین اعتراض‌ها متوجه کسانی است که زن را شایسته دخالت در امور اجتماعی نمی‌دانند و اصولاً حقی بر او قائل نیستند که بخواهد جهت به دست آوردنش بکوشد.» (عینعلی‌لو، ۱۳۹۲: ۵۵) در تاریخ معاصر همراه با پیشرفت‌های همه‌جانبه جامعه و تغییرات فرهنگی حاصل از آن، دو اتفاق مهم یعنی بروز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در بازتعریف زن آرمانی و آرمان‌گرایی برای زنان تأثیر به‌سزایی داشته‌است. رمان‌نویسان زن و مرد هم به این موضوع

توجه نشان داده و هرکدام از دیدگاه خود به آن پرداخته‌اند که در ادامه به ذکر بعضی از این عقاید در رمان عشق سال‌های جنگ پرداخته خواهد شد.

۳- بحث اصلی

چنانکه گفته شد، مقاله حاضر به دنبال تبیین ویژگی‌های زنان آرمانی در بعضی از رمان‌های برجسته ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. البته این آرمانی بودن زنان صرفاً به معنای انقلابی بودن آن‌ها نیست؛ چراکه در بعضی از داستان‌های مورد مطالعه، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در حاشیه‌اند. لذا لازم است ویژگی‌هایی برجسته هر داستان بررسی شود.

۳-۱. خلاصه داستان

محور اصلی رمان «عشق سال‌های جنگ» همان گونه که از نامش پیداست، عشق و دلدادگی است. نویسنده به منظور ارائه تصویری مناسب از حوادث جنگ که البته با نگاه ویژه به عشق نگاشته شده، شخصیت‌هایی بسیار با قصه‌ها و شرایط زمانی و مکانی متفاوت، خلق کرده است. گاهی حتی شخصیت‌های محوری رمان در زمان و مکانی آشفته و تاریک به سر می‌برند و با خواندن تمام رمان، خواننده از سردرگمی آزاردهنده‌ای رها شده و به نکاتی بسیار ساده و مهم از مکان و یا گذشته شخصیت‌ها پی می‌برد.

نرگس، دختری تحصیل کرده، انقلابی و اهل کرمانشاه است که او را برای پسر عمه پزشکش، در نظر گرفته‌اند؛ اما وی دل درگرو عشق حمید، جوانی تحصیل کرده، سپاهی، مرد ایمان و انقلاب می‌بندد و تصمیم می‌گیرد با او ازدواج کند. اردلان و خانواده‌اش در اوج درگیری‌های منطقه، به خواستگاری نرگس می‌آیند. نرگس با غیبت از مجلس خواستگاری، مخالفت خود را ابراز کرده و پس از کشمکش‌هایی، موافقت خانواده‌اش را برای ازدواج با حمید جلب می‌کند. پاسخ منفی نرگس و علاقه‌اش به حمید، کینه‌ای در دل اردلان می‌کارد. رابطه‌ها به تیرگی می‌انجامد و اردلان از کرمانشاه به ارومیه نقل مکان می‌کند. حمید بعد از یک درگیری داخلی، در سپاه خوش می‌درخشد و در لیست ترور مخالفان قرار می‌گیرد. در همین زمان وی با وساطت دوست و هم‌سنگرش - هادی - به خواستگاری نرگس می‌رود. در نهایت، پدر نرگس به این وصلت رضایت می‌دهد. هنگام عقد، هادی که دنبال عاقد رفته است، توسط افرادی که اشتباهاً او را حمید فرض کرده‌اند، ترور می‌شود. پس از مدتی در اثر معلولیت و عدم توانایی، یأس و نومیدی بر هادی چیره می‌شود.

مدتی بعد، حمید، در عملیاتی زخمی شده و پزشکان بر اثر شدت جراحات، وی را به ارومیه اعزام می‌کنند؛ اما هلیکوپتر حامل او بر اثر آتش سوزی سقوط می‌کند و تنها بازمانده آن، حمید، زخمی و ناهوشیار است. مردی کرد از اهالی منطقه او را می‌یابد. مرد کرد که به انقلاب دل‌بستگی دارد، مدت

مدیدی او را مخفیانه و با ترس شدید از مخالفان کرد در روستا نگه‌می‌دارد. این در حالی است که زخم‌های حمید، عفونت‌کرده و او در آستانه مرگ است. مرد روستایی به کمک دخترش، موفق می‌شود حمید را از روستا خارج کرده و به مرد پزشکی که کسی جز اردلان نیست، تحویل دهد. اردلان که کینه‌ای وصف‌ناشدنی نسبت به حمید دارد، پس از آگاهی از هویت حمید، تمام اوراق شناسایی او را نابود می‌کند.

رفته‌رفته، حمید هوشیاری‌اش را بازیافته و درمی‌یابد که دست و چشمش را ازدست‌داده و چهره‌اش درهم‌شکسته و کریه شده است. وی نومید و مأیوس در خود فرومی‌رود و تصمیم می‌گیرد تا از زندگی نرگس دورشده و هویت خود را افشانکند. نرگس که از همان روزهای اول سقوط هلیکوپتر، جستجو برای یافتن حمید را آغاز کرده بود، نتیجه‌ای نمی‌یابد. سرنوشت مادر حمید نیز پس از مفقودی وی و طی شرایط روحی ناآرام، به مرگ منتهی می‌شود.

نرگس در بنیاد شهید، مشغول به کار می‌شود و در همین زمان دوستش، معصومه که در بیمارستان ارومیه پرستار است، حمید را شناخته و نرگس را از زنده بودن او آگاه می‌کند. نرگس همراه دوستانش برای دیدن حمید به ارومیه می‌رود. حمید که اکنون خود را بازیافته است، با توجه به معلولیت و چهره درهم‌ریخته‌اش از روبه‌روشدن با نرگس می‌هراسد. نرگس پس از مواجهه با حمید، لحظاتی به زندگی دوباره با وی شک می‌کند؛ اما در بیمارستان تحت تأثیر برخورد یک زن ترک که به جانبازی همسرش افتخار می‌کند به خود آمده، حمید را می‌پذیرد.

۳-۲. شخصیت انسانی زن در اسلام

با تعمق در موضوعاتی که درخصوص شخصیت زن در قرآن کریم ذکر شده است، می‌توان به ارزش و مقام والای زن در مکتب آرمانی اسلام و عدم تمایز شخصیت انسانی زن و مرد در این مکتب پی‌برد. «قرآن کریم وقتی مسئله زن و مرد را مطرح می‌کند، می‌گوید: این دو را از چهره ذکورت و انوشت نشناسید. بلکه از چهره انسانیت بشناسید. حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد، نه بدن او، انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند نه جسم او و نه مجموع جسم و جان او» روح هم موجودی مجرد است، نه مذکر و نه مؤنث. (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۶۷)

در آیاتی از قرآن که از آفرینش زن و مرد سخن به میان آمده است، عدم تمایز انسانی این دو جنس را روشن می‌سازد.

قرآن کریم وقتی به مبدأ آفرینش انسان اشاره می‌کند، آن دو را از هم متمایز نمی‌کند. ریشه هر دو را از «ماء» «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان/ ۵۴) یا «طین» می‌داند. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده/ ۷) یا «صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن/ ۱۴) می‌داند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، این آیات مبدأ آفرینش زن و مرد را از هم جداناساخته و وقتی از آفرینش سخن می‌گوید، از لفظ انسان و بشر که اسم جمع هستند و برای عموم به‌کار می‌روند، استفاده می‌کند. از طرفی آیات قرآنی روشن می‌سازند که خداوند تبارک و تعالی خلافت و جانشینی را نیز تنها به مرد اختصاص نمی‌دهد و هر جا از این مسئله سخن می‌گوید، نوع بشر را خطاب می‌کند. حتی در آموختن اسماء الهی که عامل سجود فرشتگان بر انسان شد، در هیچ یک از این رتبه و مقام‌های والا، زن را از مرد جدا نمی‌سازد. در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره/۳۰) و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت، فرشتگان گفتند: آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو را تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم، فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (بقره/۳۱) و خداوند همه [معانی] جام‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید، از اسامی این‌ها به من خبر دهید.

مطابق این آیات آنچه موجب خلیفه‌الله بودن انسان و تعلیم اسماء الهی به او می‌شود، مقام انسانیت انسان است، نه جنسیت او. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: محور تعلیم و تعلم جان آدمی است، نه بدن. پس آنکه عالم می‌شود، روح است که نه مذکر است و نه مؤنث. ثمره بحث این است که جان از آنجایی که مورد تعلیم اسماء الهی قرار گرفت، شایسته مقام خلیفه الهی شد. (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۰۰)

بنابراین روح و جان است که خلیفه‌الله است نه تن که بین زن و مرد متفاوت است. هردو با هم مورد سجود فرشتگان قرار می‌گیرند. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره/۳۴) «و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه به سجده درافتادند]» در تفسیر این مطلب که آیا فقط حضرت آدم (ع) که مرد بود، مورد سجود قرار گرفت، یا نوع بشر؛ بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. برخی سجده را مختص آدم (ع) دانسته‌اند. طبرسی، سید مرتضی، مراغی و امام فخر رازی، صاحب تفسیر کشاف است. هر چند دلیلی برای این نظر خود نداشته‌اند. (مهیزی، ۱۳۸۲: ۳۱)

عده‌ای از مفسرین مثل علامه طباطبایی رأی به عمومیت سجده فرشتگان داده‌اند. علامه طباطبایی ذیل (اعراف/۱۱)، متذکر می‌شود که خداوند از آنجاکه می‌فرماید «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ» یعنی خطاب به عموم آدمیان می‌کند، پس جمله «ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» (اعراف/۱۱) به معنی سجده فرشتگان بر جمیع افراد است، چه اینکه فرشتگان که مأمور سجده می‌شوند، به دلیل تصویر و خلقت است؛ و کسی که مورد سجده قرار گرفت شخص خاصی نبود چراکه فرموده «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ» یعنی خطاب به عموم به صورت اقبایی است. هر دو با هم

مورد وسوسه و عداوت شیطان قرار می‌گیرند. «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (اعراف/۱۶) «شیطان گفت چون تو مرا گمراه کردی من نیز بندگان را از راه راست گمراه می‌کنم.» در آیه (طه/۱۲۱) می‌فرماید: «فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى»؛ «آنگاه از آن درخت ممنوع خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسباندن برگ‌های بهشت بر خود و این‌گونه آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بی‌راهه رفت. شاید به نظر آید که فقط حضرت آدم (ع) مورد اغوای شیطان قرار می‌گیرد. ولی مفسران بر این باورند که به تناسب و سیاق آیات دیگر فهمیده می‌شود که منظور از آدم، حوا و آدمیان دیگر (نوع بشر) است. به عنوان نمونه در سوره اعراف به وضوح آمده که هر دو مورد وسوسه شیطان قرار گرفتند و هر دو ضالین خوانده شدند. صاحب تفسیر المیزان بر مبنای آیاتی نتیجه می‌گیرد که منظور از آدم در این آیه نوع بشر است؛ نه حضرت آدم به عنوان یک شخص خاص.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۳۳۱)

۳-۳. تقوای زنان

در نظام اسلامی معیار و میزان فعل اخلاقی، تقوا است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» زن و مرد بودن هیچ تأثیری در کسب کرامت نزد خدا ندارد. چه بسیار زنانی بودند که به مقام عالی در نزد پروردگار خود رسیدند و خداوند آنان را نمونه و الگوی عالی مردم خوب قرارداد. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم/۱۱) و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان.

زن بودن حضرت مریم او را محدود نساخت که ملقب به صدیقه و شایسته مقام نزول وحی شود. صفت صدیقه که حضرت مریم به آن دست یافت، نهایت تصدیق را نشان می‌دهد. صدیقین گروهی بودند که با انبیا و صالحین و شهدا همراه و هم قافله‌اند. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹)؛ علت صدیقه خواندن مریم سلام الله علیه این است که ایشان چیزی را تصدیق کردند که دیگران باور نداشتند و آن را مستعد می‌شمردند. (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۴۵ و ۱۴۶)

با بررسی آیات قرآنی این حقیقت آشکار شد که در نگاه قرآن زن از بعد انسانی هیچ تفاوتی با مرد ندارد و به حسب قانون خلقت که تمام پدیده‌ها باید به صورت مؤنث و مذکر وجود داشته باشند. «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات/۴۹). انسان نیز به زن و مرد تقسیم می‌شود. او انسانی است شایسته مقام خلافت، سعادت و کمال انسانی است مکلف که باید دستورات الهی را به سان مرد انجام دهد. باین وجود قوانین و احکامی مانند دیه، قصاص و سهم الارث زن که حکم آن با حکم مرد

در شرایط یکسان متفاوت است، برای گروهی این شبهه را برانگیخته است که زن در نظام حقوقی اسلام در دون مرتبه مرد قرار دارد. در پاسخ آن باید گفت. یک سلسله از ارزیابی‌ها در قرآن کریم به بدن برمی‌گردد و هر بدنی که منشأ اقتصادی بیشتر و قوی‌تر باشد، مسئله دینه و سهم الارث هم با همان تناسب و در رابطه با آن تنظیم می‌شود؛ اما آنچه به تعلیم و تربیت، فضائل روحی و اخلاقی مربوط است، قرآن کریم بدون امتیازی بین زن و مرد هر دو را با هم مورد خطاب قرار می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۴)

در رمان «عشق سال‌های جنگ» نرگس در جایگاه دختری تحصیل کرده، پاسدار و شاغل مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد از چنین شخصیتی که با جسارت در مجلس خواستگاری پسر عمه‌اش شرکت نمی‌کند، بتوان این انتظار را داشت که به تنهایی و همراه با دو مرد نامحرم، یعنی حمید و هادی و بدون اطلاع هیچ‌یک از اعضای خانواده (حتی برادرش که او نیز پاسدار و دوست هادی و حمید است)، برای جاری ساختن خطبه عقد به شهری دیگر برود؛ اما پذیرفتن این نکته که نرگس، حمید و هادی که هر سه پاسدار و انقلابی‌اند (مطمئناً چنین افرادی از دین و مذهب خود به‌خوبی مطلع‌اند)، از واجب بودن اجازه پدر نرگس برای عقد او بی‌اطلاع‌اند، چندان معقول نیست. نویسنده با این کار و حتی انتخاب نام نرگس در میان سایر نام‌های مذهبی دیگر تلاش دارد تا شخصیت بسیار جسور نرگس را در همان سطور ابتدایی رمان غیرمستقیم به خواننده بشناساند و البته در این کار موفق بوده‌است.

شاید بتوان جسارت نرگس را این‌گونه توجیه کرد که او دختری پاسدار، اهل مذهب و انقلابی است، بنابراین با حق انتخابی که عقایدش به او داده و خود نیز به آن معترف است فردی همراه و همسو با آرمان‌هایش انتخاب کرده‌است. این مورد در کنار سایر نکات ریز دیگر که در ادامه به آن خواهیم پرداخت به دگرگونی‌های جامعه نسبت به گذشته و اختیار یافتن زنان اشاره دارد. در ادامه به گوشه‌هایی کوتاه از وضعیت نرگس اشاره می‌شود.

«ولی مامان! خودت که می‌دانی، من به درد اردلان نمی‌خورم. می‌بینی که من زنی نیستم که او می‌خواهد. صبح مدرسه، شب بیمارستان، جمعه این روستا و آن روستا... مادر خندید و گفت: این‌ها چند ماه است و تمام می‌شود. همیشه که قرار نیست تو این کارها را بکنی. نه مامان! فکر نمی‌کنم این کارها تمام بشود یا من عوض شوم! ... چرا آلاخون و آلاخون؟ کسی را انتخاب می‌کنم که همراهم باشد.» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۱۵)

۳-۴. برخورداری یکسان زن و مرد از استعدادها و امکانات

مطابق آیات قرآن زن و مرد در برخورداری از استعدادها و امکاناتی که مکمل رشد و تکامل بشر هستند، مشترک‌اند. در آیاتی که به کرامت انسانی اشاره می‌کنند، زن را از مرد متمایز نمی‌سازد. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین/۴)؛ «راستی که انسان را در بهترین قوام آفریدیم» در آیه (۶-۷)

سوره انفطار نیز در خطاب به نوع بشر، امتیاز آنان بر دیگر مخلوقات را متذکر می‌شود: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ»

در جاهای دیگر نیز به جنس بشر به‌خاطر اعطای ابزار ادراکی منت می‌نهد، نه به زن و مرد خاصی. «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل / ۷۸) «و خدا شما را از شکم مادرانتان درحالی‌که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید»

خداوند متعال امکاناتی را برای رشد و تکامل آدمی مقرر داشته‌است، بدون اینکه امتیازی در جنسیت یا هر چیز دیگری، قائل شده‌باشد. زن در برخورداری از ارزش‌های اخلاقی مطلوب قرآنی و رسیدن به درجات کمال هیچ تفاوتی با مرد ندارد؛ و مانند او نتیجه عمل خود را خواهددید. جزای عمل هر دو یکسان است.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷) هرکس از مرد یا زن کار شایسته‌کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم‌داد. «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر/۴۰) «هرکه بدی کند جز به مانند آن کیفر نمی‌یابد و هرکه کار شایسته‌کند چه مرد باشد یا زن درحالی‌که ایمان داشته‌باشد در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب روزی می‌یابند».

در رمان «عشق سال‌های جنگ» زنان پا به پای مردان در همه‌جا حضور دارند. حضور آنان در کنار مردان به‌نحوی تداعی‌کننده این تعبیرات قرآنی است که زنان همچون مردان مکمل رشد و تکامل همدیگرند؛ بنابراین تمایز و تفاوتی در عمل و کار آنان وجود ندارد. آنان به‌دنبال انجام کار شایسته و نیکو هستند و پاداش آن را از خدای خود می‌خواهند.

شخصیت‌های زن این رمان به‌هیچ‌وجه منفعل نیستند؛ در ارتباط با جنگ و حوادث مربوط به آن پیش‌رفته، ناآرام می‌شوند، شک‌کرده و تصمیماتی مطابق با شرایط خاص خود اتخاذ می‌کنند؛ بنابراین نرگس و زنان هم‌ردیف او در این رمان به‌نوعی تحولات و بلوغ فکری این برهه را منعکس می‌کنند.

۳-۵. افتخار به همسر شهید بودن

بی‌تابی و غمگینی ناشی از افکار پریشان، یا حتی شهیدشدن همسر، هرگز زن‌های این رمان را از شأن یک همسر شهید به‌زیر نمی‌کشد و آن‌ها مانند سایر زنان آرمان‌گرای این دوره با افتخار به همسر عزاداری کرده و رخت سیاه بر تن می‌کنند. «آن روز برای اولین بار نرگس از حمید و زندگی تازه‌اش با صدیقه حرف زد. او با اینکه قبلاً از این کار نفرت داشت، اما به دلیلی که خودش هم نمی‌دانست،

آرام آرام از عشقی که در زندگی تازه‌اش پدیدار شده بود حرف زد. زیرا حس می‌کرد که این کار باعث تسلی دلش خواهد شد. در پایان هم آهی کشید و گفت: «خدا مرا ببخشد که این فکرها را می‌کنم، ولی خیلی نگرانم. اصلاً دوست ندارم که حمید به این زودی‌ها شهید بشود. صدیقه نیز که همچون نرگس شوهرش پاسدار بود، همدرد و همسان نرگس آهی کشید و گویی که برای اولین بار رازداری پیداکرده‌است، گفت: «من هم این‌طور هستم. همیشه می‌گویم مسئله‌ای نیست حسین برود عملیات، شهید بشود ولی هربار که به عملیات می‌رود، چشمم به در است تا برگردد.» (همان: ۲۲۸).

۳-۶. عطوفت و مهربانی زنان و همراهی با مردان

زن به دلیل نقش خاصی که در دستگاه خلقت برعهده دارد، به سرمایه‌های درونی بس گران‌بهایی مجهز است که جامعه بشری در رشد خود نیازمند این ارزش‌ها است. یکی از این سرمایه‌های درونی عاطفه است که در طول تاریخ و در تمامی اجتماعات نمودهای بسیار شکوهمندی داشته‌است. این میل درونی اگرچه در همه انسان‌ها کم‌وبیش وجود دارد اما بهره زن از این عطیه الهی بیشتر است. این میل مقدس از یک سو زنان را برای همه نوع فداکاری، جهت زندگی و همسرش آماده می‌کند و همچون شمع فروزانی محفل خانواده را روشن می‌سازد؛ از سوی دیگر، زحمات طاقت‌فرسای پرورش نسلی را برعهده دارد. به بیان دیگر: جامعه سالم نیازمند داشتن خانواده‌های سالم است و سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌شود و شمع فروزان محفل خانواده زن است. آنان هستند که با آکنده ساختن کانون خانواده از انس و صفا و الفت می‌توانند فضای فکری، فرهنگی، دینی و گفتگوهای سیاسی و اجتماعی را نورانی کنند و عملاً درس مهر و صفا و از خودگذشتگی را از طریق فرزندان و همسران خویش به آیندگان بیاموزند. چنانکه در تنظیم صحیح اقتصاد خانواده می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد و با تدبیر و برنامه‌ریزی عاقلانه، مرد را در تأمین هزینه و مخارج زندگی یاری‌رساند و به این وسیله الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشد. (ربیع‌نژاد و همکار، ۱۳۹۲).

فتاحی با طرح تناقض، کشمکش و برخوردهای دوگانه در رفتار و کنش دخترتی انقلابی و جسور، شرایطی را فراهم آورده‌است تا از این رهگذر، معنای عمیق‌تری به رمان و شخصیت‌ها بخشیده، فضایی ملموس و واقعی ارائه دهد. شخصیتی که با آرمان‌ها و عقاید این برهه خاص همسو شده‌است، در شرایط مختلف، متفاوت می‌اندیشد و متفاوت عمل می‌کند. نرگس، با آگاهی از تمام آرمان‌های جامعه، فعالانه در صحنه حضور یافته و از هیچ کاری در این راه دریغ نمی‌کند. نرگس نقش اجتماعی خود را برحسب ظرافت و طبع زنانه انجام می‌دهد و گوشه‌ای از مسئولیت‌های اجتماعی را بردوش می‌کشد.

«اگر زن از ایفای نقش اجتماعی محروم شود، از رشد اجتماعی او کاسته می‌شود و جامعه‌ای که زنان آن از رشد فکری و اجتماعی محروم باشند. مسلماً جامعه رشد یافته‌ای نخواهد بود، زیرا جامعه از احاد انسان‌هایی تشکیل می‌شود که با تربیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی از خانواده‌ها شکل می‌گیرند و

وارد اجتماع می‌گردند. اینان در تعامل با هم آداب و سنت‌ها و نظام‌ها و قانون‌های خاصی را به‌وجود می‌آورند؛ که در اثر پیوند با یکدیگر، ماهیت اجتماعی پیدامی‌کنند؛ بنابراین سعادت و سلامت هر جامعه در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌شود و انتقال ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی و اجتماعی در درجه اول به عهده خانواده‌ها به‌خصوص مادر است. پس می‌توان نتیجه‌گرفت که جامعه سالم نیازمند مادران سالم است و جامعه فرهنگی، دینی و ارزشی، جامعه‌ای است که مادران آن از بینش و تفکر سالم فرهنگی، دینی و ارزشی برخوردار باشند» (رمزی، ۱۳۹۳: ۷)

«آن زمان اوج درگیری‌ها بود و شدیدترین حملات متوجه بچه‌های سپاه و بسیج بود. هرروز با صدها حمله و شلیک و کمین روبه‌رو می‌شدند و گروه‌گروه از آن‌ها کشته یا روانه‌ی بیمارستان‌ها می‌شدند. به همین دلیل بود که دخترهایی مثل نرگس و معصومه، تصمیم گرفتند علاوه بر کار روزانه در قسمت تبلیغات یا تدریس در مدارس، شب‌ها هم به بیمارستان بروند و از مجروحان پرستاری کنند» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۲۱)

«بعد از تعطیل شدن مدرسه‌ها، نرگس صبح‌ها به سپاه می‌رفت تا کارهای تاپی آنجا را انجام دهد، بعد از ظهرها هم به بیمارستان، گاهی هم در کارهای تبلیغاتی شرکت می‌کرد، روی طرح‌هایی که بچه‌ها داشتند، کاری کرد، پوست‌هایشان را آماده می‌کرد، پلاکاردهایشان را می‌نوشت و با استفاده از دستگاه اوپک، عکس امام یا دیگران را طراحی می‌کرد.» (همان: ۲۲۸)

نرگس با حضور یافتن در بنیاد، با حفظ وظایف همسری پایه‌ی مردان و با آگاهی و بلوغ فکری وظایف اجتماعی خود را به‌انجام می‌رساند. حضور مداوم نرگس در سایر فعالیت‌های این برهه؛ دگرگونی‌های اجتماعی و در نتیجه نقش زنان در انقلاب و دفاع مقدس را به‌اثبات می‌رساند. ارائه وضعیت، کنش‌ها، اعمال و عواطف زنان این رمان، نیمی از حوادث داستان را به‌خود اختصاص داده است، در نتیجه باید گفت در روند داستان و خلق حوادث تازه، بسیار مؤثرند. در این بخش به قسمت‌هایی از نقش سازنده و نیز حضور مؤثر این شخصیت اشاره می‌شود.

«نرگس به پیشنهاد مسئول بنیاد شهید تهران، به قسمت مددکاری آنجا رفت. مدت‌ها بود دنبال کسی می‌گشتند که هم‌درد خانواده شهیدان باشد، آن‌ها را درک کند و دردهایشان را بشناسد و بفهمد. چه کسی بهتر از نرگس؟ نرگس از صبح که می‌رفت، آن قدر مسئله و مشکل وجود داشت که گاه تا شب، در بنیاد می‌ماند. روزها، گاه می‌شد که به چندین خانواده شهید سر می‌زد، در همان چند ماه اول سال ۵۹، صدها خانواده عزیزان خود را از دست داده بودند و حالا با شروع جنگ، هرروز و هرروز بر تعداد این خانواده‌ها افزوده می‌شد. روزی نبود که چندین جنازه از جنوب به تهران نیاورند.» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۲۹۷)

در مورد دیدگاه نویسنده نسبت به این شخصیت باید گفت همان‌طور که بحران شک و ناامیدی برای نرگس رخ می‌دهد مردان نیز در این رمان، از آن بی‌نصیب نیستند. بحران شک، شخصیت نرگس را

ملموس و واقعی‌تر جلوه‌می‌دهد. نویسنده در قصه هرکدام از شخصیت‌ها - به‌ویژه نرگس و معصومه - با ارائه حوادث در زمان‌ها و مکان‌هایی واقعی، احساس واقعی بودن رمان و تناسب شخصیت‌ها با نمونه‌های واقعی آنان در جامعه ایرانی را به‌وجود آورده‌است. در این بخش، نمونه‌ای از بحران شک پیش‌آمده برای این شخصیت، گنجانده‌می‌شود.

«در آن مدت آن چنان شخصیت و وجود فیزیکی حمید، در ذهن و روح نرگس رشد کرده و برجسته شده‌بود و آن‌چنان مسئله ذهنی نرگس پیدا کردن حمید شده‌بود که نرگس تنها او را می‌دید. فقط حمید و حمید با همان شکل و قیافه و همان لباس سبز سپاهی، آن‌طور که آخرین صبح زندگی مشترکشان او را دیده و بدرقه کرده‌بود. در آن مدت، آن حمیدی که آرمان و عقیده‌ای داشت و در راه مقدسی مبارزه‌می‌کرد، از ذهن نرگس دور شده‌بود و این همان غلبه‌ی عشق زمینی بر خدایی بود. نرگس نمی‌توانست این را برای برادرش توضیح بدهد. چرا که ناگهان و با دیدن دخترک ترک، به یک باره این را دریافته‌بود. حالا او حمید را همان حمید پیش از ازدواج و پیش از مجروح شدن می‌دید، حمیدی با آرمان مقدس و او را با همان آرمان دوست داشت. این جرقه باعث شد که ناگهان عشق خدایی در ذهن او شعله‌ور شود و عشق زمینی را چون لایه برفی کنارزند.» (همان: ۳۵۳)

بنا بر تمام موارد ذکر شده در زمینه دیدگاه نویسنده نسبت به این شخصیت می‌توان گفت، وی زنی همسو با آرمان‌های جامعه انقلابی است. کشمکش‌های درونی نرگس و ممانعت از به‌غلو کشیدن شخصیت؛ او را برای خواننده امروزی بسیار باورپذیر ساخته‌است. او زنی است که علاوه بر ایفای نقش در کار اجتماعی و مقاومت مردمی؛ همراهی همسر و سلامت محیط خانواده را طالب است. زن، متناسب با چهره مرد در این رمان، تصویر شده‌است. مردان این رمان، هیچ‌گاه با شکست در روابط گرم خانواده و همراهی زن روبه‌رو نمی‌شوند بلکه زن را یار و یاور خویش می‌دانند. در این بخش به گوشه‌ای کوتاه از این مورد، اشاره‌می‌شود.

«حمید از آغاز آشنایی با نرگس و مخصوصاً بعد از مراسم عقد، این قرار را با خود گذاشته‌بود که نرگس را به‌عنوان همراه و شریک زندگی‌اش انتخاب کند و او را از تمام مسائل و مشکلات زندگی‌اش آگاه سازد و همواره او را به‌عنوان یار و یاور خود قبول داشته‌باشد.» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۱۷۱)

۳-۷. حضور و همراهی زنان در امور جامعه پایه‌پای مردان

یکی دیگر از شخصیت‌های محوری و تأثیرگذار این رمان که در جایگاه همسر شهید و جانباز، حضور دارد، معصومه است. وی آگاهانه، همسو و معتقد با انقلاب، در بیمارستان برای کمک به مجروحان خدمت‌می‌کند. اولین تصویرسازی‌های نویسنده از این شخصیت ضمن طرح صفات انقلابی، خواننده را با وضعیت زندگی وی آشنای می‌کند.

«معصومه که شوهرش جزو اولین گروه کشته‌شدگان جنگ‌های کردستان بود، خود را وقف مجروحان کرده‌بود و شب و روزش در بیمارستان سپری می‌شد. او نیز در پرستاری از کاظم لحظه‌ای کوتاهی نمی‌کرد. او هیچ‌گاه از شوهر شهیدش حرف نمی‌زد، بلکه در چهره تک‌تک مجروحان، چهره او را می‌دید و تصورش این بود که از او پرستاری می‌کند. عکس کوچکی از او در کیفش پنهان کرده‌بود و تنها نیمه‌شب‌ها به آن چشم می‌دوخت و عقیده‌داشت که خستگی را از تنش درمی‌آورد. حتی گاهی که دلش برای پدر و مادر یا دیگر نزدیکانش تنگ می‌شد، به عکس شوهر شهیدش نگاه می‌کرد و عجیب بود که دل تنگی از دل او رخت برمی‌بست و دوباره سرزنده و تازه نفس به کار مشغول می‌شد.» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۲۲).

گفتگوهای این شخصیت علاوه بر بیان عقاید وی، عواطف و تأثیرپذیری معصومه از تحولات جامعه را نشان می‌دهد. درحقیقت هدف از طرح شخصیت‌هایی مانند معصومه نمایش دادن طیف وسیعی از زنان انقلابی این دوران است، در نتیجه نویسنده نیاز چندانی به توصیف چهره آنان نخواهد داشت. تصویرسازی حوادث بیمارستان و وضعیت مجروحان و طرح آرمان‌های آنان همراه با پیش رفتن این شخصیت به کشاکش درونی، همگی در کنار هم علاوه بر باورپذیرکردن داستان، زنی ایرانی و آرمان‌گرا را به تصویر می‌کشد.

نویسنده می‌تواند «راز سربه‌مهری را در داستان پیش‌بکشد و گره افکنی کند و وضعیت و موقعیتی غیرعادی را به‌وجود آورد که خواننده مشتاق تشریح و توضیح گره‌گشایی آن بشود؛ یا شخصیت و شخصیت‌های داستان را در وضعیت و موقعیت دشواری قرار دهد، طوری که شخصیت میان دو عمل باید یکی را انتخاب کند.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۷۶) فتاحی، با بحران شک، حالت تعلیق رمان و اشتیاق خواننده را سبب شده‌است. در ادامه به نمونه‌هایی از این قسمت‌ها اشاره خواهیم داشت.

«معصومه ناگهان خود را در لبه پرتگاه حس کرد و با وحشت به آن سوی دره عمیق چشم‌دوخت. به‌راستی فکر این چیزها را نکرده‌بود. شک و تردید چنان در جان معصومه ریشه‌دواند که قرارشد فکرهايش را بکند و به نرگس خبر دهد.» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۲۳)

«از آن روز به بعد، معصومه مثل شمعی که در معرض باد قرار گرفته‌باشد، پریشان بود. دیگر آن دختر شاد و سرحال که خستگی را نمی‌شناخت، جای خود را به آدمی داده‌بود که همیشه و در همه حال در فکر بود. هرکس با او روبه‌رو می‌شد و چیزی از او می‌پرسید گویی از خواب می‌پرید و پریشان و دست‌پاچه به او جواب‌های مبهم می‌داد.» (همان: ۲۳)

انتخاب نام معصومه به شناساندن شخصیت صبور، مهربان و سرشار از احساس او کمک کرده و پیشاپیش این نکته را گوشزد می‌کند که او شخصیتی مظلوم است و در ادامه رمان شرایط سخت و سخت‌تری را تجربه خواهد کرد.

«معصومه همراه جنازه شوهرش به دیدار پدر و مادر شوهرش آمده‌بود و از همان روز اول لقب جغد شوم را گرفته‌بود. مادر شوهرش بر سر زنان، به دیدنش آمده‌بود. به جای خوشامد، نفرینش کرده- بود، جغد شوم نامیده‌بود و...» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۳۱۰)

تأکید بر رفتار کاملاً زنانه معصومه در لابه‌لای افکار، اعمال و گفتگوهای او به خوبی نمایان است. این زن معتقد به آرمان‌های انقلاب که در هر دو ازدواج، همسرش شهید شده‌است، در حین گریه، شکرگزاری می‌کند و هم‌چنان صبورانه به آرمان‌هایش پایبند است. تمام موارد ارائه شده، تأکیدی است بر دگرگونی‌های جامعه و تأثیرپذیری شخصیت‌ها از آن‌که در ادامه به گوشه‌ای کوتاه از آن اشاره- می‌شود.

«در آن چند ساعت، معصومه فقط به این و آن نگاه کرده‌بود و در سکوت اشک ریخته‌بود، ولی دیگر داشت نوحه‌سرایی می‌کرد، درددل می‌کرد و با خدایش حرف می‌زد. گله می‌کرد، شکر می‌گفت و...» (همان: ۹۱)

حضور محوری شخصیت‌های زن در نقش‌های متفاوت، گویای تلاش نویسنده در ارائه زنانی متناسب با دوران دفاع مقدس است. در نتیجه این حضور محوری، نقش آنان بر روند داستان و پیش بردن حوادث را پررنگ‌تر کرده‌است.

۳-۸. ازدواج با جانبازان

کشاکش‌ها و بحران‌هایی که زنان جوان رمان با آن درگیر می‌شوند بازتاب جامعه دگرگون‌شده ایران در سال‌های پس از انقلاب و اوایل جنگ است. سال‌هایی که حوادث انقلاب و جنگ ایران و عراق به سرعت، جامعه و شکل روابط اجتماعی را تغییر داده و معیارهایی کاملاً متفاوت پیش روی انسان‌ها ترسیم کرده‌است؛ به طوری که زنانی مانند معصومه با غرور، تن به ازدواج با جانبازان جنگ می‌دهند و به شهادت همسر افتخار می‌کنند. البته بنا بر تمام موارد ذکر شده باید گفت حسین فتاحی اصراری بر مطلق ارائه‌دادن هیچ‌یک از زنان رمان ندارد. بلکه همگی رفتارهایی قابل‌باور ارائه می‌دهند.

نکته قابل توجه در این رمان جسارت و بلوغ فکری زنان در انتخاب همسر و مطرح شدن علاقه از سوی زن است. می‌توان گفت زنان این رمان با جسارت برگرفته از انقلاب که هرگز رفتار و احساس زنانه از آن حذف نمی‌شود، در برابر حوادث پیش رو عکس‌العمل نشان می‌دهند و آگاهانه، انتخابی درست را رقم می‌زنند. در نتیجه باید گفت انقلاب با حفظ هویت دینی، زنان را به عرصه اجتماع کشانده و به آنان اراده بخشیده‌است. «در داستان‌هایی که جنبه آرمانی حوادث، غلبه می‌کند، تجربه‌های داستان نویسی نشان‌دهنده آن چیزی نیست که رخ می‌دهد؛ بلکه نشانگر آن است که بایستی چنین می‌شد؛ اما در داستان‌های دفاع مقدس جنبه‌های آرمانی به حقیقت پیوسته است. زن در داستان‌های دفاع مقدس، مجسمه فداکاری و ایثار است. چنان‌که گاه از تمام نعمت‌های زندگی با شوهر معمولی چشم می‌پوشد

و حتی گاه درمقابل مخالفت پدر و مادر خود ایستادگی کرده و خواهان ازدواج با جانبازی است که گاه برای کارهای روزمره نیز نیازمند کمک دیگری است» (احمدی خراسانی، ۱۳۸۳: ۳۵۸)

شخصیت‌های زن بی‌هیچ قید و شرط، مسیری معمولی و تکراری را سپری نمی‌کنند بلکه همگی با حوادث روبه‌رو شده و سرانجام با انتخابی معقول به مسیر خود ادامه می‌دهند. توصیف مراسم ازدواج ساده معصومه، خواننده را با فضای انقلابی این دوره آشنا و باور افکار و اعمال شخصیت‌ها را بسیار ساده‌تر می‌کند.

«خطبه عقد خوانده‌شد. خواهرها به‌زور چادر سفیدی بر سر معصومه کردند، اما کاظم با همان لباس سپاهی آمده‌بود. آستین‌ها را بالا زده‌بود و دست‌های بریده‌اش در دو طرف بدنش آویزان‌بود. وقتی حاج آقا عطا خطبه را خواند، فرمانده سپاه دسته‌گلی را که آماده‌کرده‌بود، به دست حاج آقا داد تا به کاظم و معصومه بدهد. اول به طرف کاظم رفتند. دست راست کاظم از بالای بازو قطع بود، او دست چپش را جلو آورد. دستی که از بالای مچ قطع شده‌بود و در جراحی از دو استخوان ساعد، دوشاخک گوشتی ساخته‌بودند و این شاخک انبر را جلو آورد تا دسته گل را بگیرد ولی دسته گل لای آن انبر گوشتی جای نمی‌گرفت. این بود که دسته گل را لای دست و سینه‌اش نگاه‌داشت و با اشتیاق و شادمانی، صورت حاج آقا را بوسید. در آن لحظات سرور و شادمانی، برادران و خواهران با دیدن این صحنه به گریه افتادند.» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۲۶)

۳-۹. تبلور باور و اعتقاد زنان به ارزش‌های جامعه

یکی دیگر از زنانی که در جایگاه همسر جانباز تصویر شده‌است، فریده، همسر هادی، دوست و هم‌سنگر حمید است. فریده زنی است که در فعالیت‌های اجتماعی این دوران حضوری مستقیم ندارد بلکه در جایگاه همسری همسو با تحولات جامعه در ایجاد شرایطی گرم و امیدبخش برای همسر پاسدار - جانبازش، بسیار مثمر ثمر است.

بسیاری از جانبازان در مرحله ابتدایی مواجهه با نقص عضو دچار مشکلات روحی می‌شوند. «این مرحله از جهت روحی و روانی یک نقطه عطف در زندگی جانباز محسوب می‌شود، مرحله‌ای که در آن، جانباز هویت جدیدی کسب می‌کند و در مسیر این کسب دچار بحران شده و احساس بی‌هویتی - می‌کند تا آنجا که گاه، مدت‌ها خود را منزوی کرده و توان پذیرش موقعیت جدید خود را ندارد و گاه نیز در این مسیر به نقد ارزش‌ها پرداخته و حرکت خود را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او در چنین حالتی از لحاظ روانی آسیب‌دیده و نوعی بدبینی و یأس بر او چیره می‌شود و از نزدیکان دوری می‌کند؛ تا آنجا که هر نوع کمک اطرافیان را ترحم پنداشته و از آن می‌گریزد.» (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۵۶) این حالت می‌تواند به بحران‌های روحی عمیقی منجر شود و یا برعکس ثبات و اطمینان از وضعیت کنونی را جایگزین حالت قبل کند، بنابراین نقش همسر و اطرافیان جانباز در این بحران بسیار مهم است.

فریده نیز با اجازه ورود دوست جانباز هادی به منزل و دعوت هادی به دیدن او زمینه رد شدن از بحران روحی هادی را فراهم می‌کند. در نتیجه با نگاهی کوتاه به بحران‌های این شخصیت می‌توان گفت وی با ایمان و باور قلبی به آرمان‌های جامعه، در کنار همسری رزمنده باقی مانده و نقشی مؤثر در محیط خانواده اش ایفا می‌کند. فتاحی تلاش دارد تا حضور و نقش همسر جانبازان و ایثارگری‌های آنان را با ارائه شخصیت‌هایی همچون معصومه و فریده نمایش دهد.

به نظر می‌رسد حسین فتاحی هیچ‌گاه زنان رمانش را به سبب شک و دلواپسی زنانه، بسیار معمولی و دور از عقاید جامعه متحول شده نمی‌داند؛ بلکه برعکس، آنان با اعتقاد به آرمان‌های انقلاب و افتخار به شهادت و جانبازی همسر در نقش و جایگاه همسری خود با دلواپسی اشک‌می‌ریزند و در نتیجه شخصیت‌ها بسیار پذیرفتنی ارائه می‌شوند. این خانواده وضعیت خانواده مجروحان را بسیار ملموس و واقعی نشان می‌دهند.

«مهدی برادر هادی، پدرش و فریده همسر هادی که چشم انتظار و نگران دکتر را نگاه می‌کردند، به گریه و التماس افتادند. دکتر با اینکه به حرفی که زده بود اطمینان داشت، برای آرام کردن آن‌ها گفت: «باز هم من سعی خودم را می‌کنم.» (فتاحی، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

۴- نتیجه‌گیری

رمان عشق سال‌های جنگ با نگاه محوری به عشق و دلدادگی طبعاً به خوبی نمودار نوع حضور، فعالیت و شخصیت زنان در اوایل جنگ است که با پرداخت به جامعه متحول شده بر اثر انقلاب، چهره‌هایی تازه از زنان را ارائه داده است. نگاهی به این شخصیت‌ها از سویی واقعیات روحی زنان و از سویی تغییرات اجتماعی روزهای آغاز جنگ را به خوبی ترسیم می‌کند.

نکته قابل تأمل در این رمان جایگاه، موقعیت و چهره اجتماعی زنان و تأثیر بسیار زیاد آنان در روند داستانی است که به حوادث جنگ می‌پردازد. زن در این رمان برخلاف گذشته که نقش فعالی در تحولات نداشت، در حاشیه، قرار نگرفته و حضور همراه با تعقل و بلوغ فکری او بیانگر تحول فکری - اجتماعی زنان پس از انقلاب است. زن این داستان، با فراموشی موقعیت ضعیف جسمانی، آگاهانه از تمام توان خود برای حضور مستقیم و غیرمستقیم بهره‌گرفته است و به تمام آرمان‌های مردان پاسدار پایبند است.

زنان منفعل و کم‌تأثیر در روند داستان بسیار کم به چشم می‌خورند و نویسنده حال و هوای روحی زنان و مشکلات پیش روی آنان را مورد توجه داشته است. زنان به عنوان موجودی اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و کشمکش‌های عاطفی متفاوت در زمان‌های مناسب را تجربه می‌کنند.

زن متحول شده این دوره در کنار تمام عقاید خاص خود، احتیاجات روحی، روانی و عاطفی را می‌جوید و همراهی همسر و گرمی و سلامت محیط خانواده را طالب است. مرد در این رمان، هیچ‌گاه

با شکست در روابط گرم و همراهی همسر روبه‌رو نمی‌شود و خانواده برای او مکانی گرم و آرام‌بخش است. در نتیجه می‌توان گفت زنان این رمان به روند دگرگونی‌های خود ادامه می‌دهند. آنان در رمان‌های این دهه دارای تحصیلات، قدرت اراده و موقعیت‌های اجتماعی والایی هستند. هرچند شخصیت‌های ارائه شده، دربرگیرنده تمام تحولات موجود نیستند، اما گوشه‌ای از مقاومت‌ها و مبارزات زنان این برهه را نشان می‌دهند.

تغییر در روحیات زنان انقلابی و کشمکش‌هایی که مادران با عواطف خود دارند، دست‌مایه بسیاری از رمان‌های دفاع مقدس است. «عشق سال‌های جنگ» نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این رمان نیز با نمایش حضور زنان پرستار در میدان نبرد، و همراهی آنان با مردان، همچنین نقش همسیر یک جانباز بودن و یا در نقش مادری که فرزند وی مفقودالثر است، زنان چهره‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. زنان در این رمان به زنانی تحصیل کرده مبدل می‌شوند و تلاش دارند تا همسو با تحولات روزهای انقلاب و جنگ، بیندیشند و عمل کنند.

بسیاری از داستان‌های رمان جنگ به چهره مادری می‌پردازند که فرزندش آرمان‌خواهانه در راه خدا به شهادت رسیده‌است و مادر در نبود این فرزند رفتاری انفعالی و سراسر عجزولابه را از خود می‌نماید. مادر از درک فعالیت‌های فرزند عاجز است و فرسنگ‌ها دورتر از رشد فکری وی قرار گرفته‌است. «عشق سال‌های جنگ» با شخصیت مادر حمید از نمونه‌های این دیدگاه می‌باشد.

با توجه به تمام مطالب ارائه شده می‌توان گفت تلاش نویسنده بر این امر است تا چهره‌ای واقعی و متناسب از زنان صبور ایرانی ارائه دهد. زنانی که در کنار وظایف همسری، به مقاومت خود در برابر دشمن متجاوز ادامه می‌دهند. آنان اگرچه می‌گیرند، اما آرمان‌ها و عقاید خود را فراموش نکرده و در شهادت همسر شکرگزاری می‌کنند. در این رمان روحیات مادران مبارز تصویر نشده‌است مادرانی که در این برهه تاریخی با وجود مهر مادری، سخاوتمندانه فرزندان خود را نثار میهن کرده و به آن می‌بالند. هرچند در تصویرسازی مادران، روحیات مادران سنتی ایران به خوبی پرداخته شده‌است، اما جای نمونه‌ای از مادران آرمان‌گرا در کنار سایر زنان مبارز این رمان خالی به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. احمدی خراسانی، نوشین. (۱۳۸۳) *فصل زنان* (مجموعه آراء و دیدگاه‌های فمینیستی) جلد پنجم. چاپ دوم. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۷)، *زن آینه جمال و جلال الهی*، تهران: فرهنگی رجا.
۴. رمزی، صمد، (۱۳۹۳)، «مسئولیت زنان در زندگی اجتماعی و خانوادگی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۵. سلیمانی، بلقیس، (۱۳۸۰)، «زن در داستان‌های جنگ»، ادبیات داستانی، تیر و مرداد، شماره ۵۵، صص ۲۰-۱۶.
۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *تفسیرالمیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی ۴ جلد، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. عینعلی‌لو، علی. (۱۳۹۲) «زن و هویت آرمانی در ادبیات مشروطه». فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. سال چهارم. شماره شانزدهم. صص ۵۳-۶۷.
۸. فتاحی، حسین. (۱۳۸۸) *عشق سال‌های جنگ*. تهران: قدیانی.
۹. مدرسی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۴) «بررسی جایگاه زن در آثار مهدی شجاعی با تکیه بر داستان‌های کوتاه سانتاماریا». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال هفتم. شماره سوم. صص ۲۱۹-۲۳۴.
۱۰. مهریزی، مهدی، (۱۳۸۲)، *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۱. میر صادقی، جمال (۱۳۷۶). *عناصر داستان*، تهران: سخن.
۱۲. ربیع نژاد، علی‌اکبر، روح‌الله زاده، عالیه (۱۳۹۲)، «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم.

A Study of a Mystical, Quranic Woman in "Love of the War Years

Fariba Rahimi¹, Shahrokh Hekmat², Majid Azizi³

PhD student, Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, ¹

Arak, Iran

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, ²

Islamic Azad University, Arak, Iran. * Corresponding Author, sh-hekmat@iau-arak.ac.ir

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, ³

Islamic Azad University, Arak, Iran

Abstract

Women are an important element in the field of contemporary literature studies, both as a subject and as a creator. Sometimes in the text and sometimes in the margins. But with the occurrence of two important events, namely the Islamic Revolution and eight years of holy defense, they have shown different faces. Women have always been instrumental in the civilization, growth, and prosperity of human societies, along with men, directly or indirectly. Islam has placed women as an important issue of life and complement to human life in its social, moral and legal issues. The main purpose of writing this article is to study the feature of an ideal-Islamic women in "Love of the war years". Since the novel has the greatest capacity to represent the life of contemporary man, it has been tried to highlight the ideological and Islamic concepts of women either. The results of the research showed that the woman in this novel, unlike previous novels, is not marginalized and her presence along with her intellect and intellectual maturity indicates the socio-intellectual evolution of her after the revolution. Ignoring woman's physical weakness, she has consciously used all her power for direct and indirect presence and adheres to all the ideals of the military men.

Keywords:

ideal woman, idealism, novel, Islamic revolution, holy defense, martyr, marriage.